یادداشت

سیدضیاهاشمی
معاون علمی-فرهنگی معاون اول رئیس جمهور

تشییع و وداع با رهبر شهید (۳)

در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به دلیل تهدیدهای مستقیم دشمن علیه مقامات ارشد کشور بویژه رهبر شهید انقلاب، اتخاذ تدابیر امنیتی و محدود شدن حضور رسانه‌ای مسئولان امری طبیعی بود. همین شرایط زمینه را برای عملیات روانی و فضاسازی رسانه‌های معاند فراهم کرد. آنان با انتشار شایعاتی مبنی بر دوربودن رهبر شهید انقلاب از صحنه اداره کشور، تلاش داشتند این تصور را القا کنند که مدیریت کشور دچار اختلال شده است. اما روند تحولات به‌تدریج نادرستی همه این روایت‌ها را نشان داد. در همان روز اول جنگ، پس از شهادت جمعی از فرماندهان عالی‌رتبه، انتصاب سریع جانشینان و صدور احکام آنان از سوی رهبر شهید، نشان داد که هدایت و تدبیر امور کشور با اقتدار ادامه دارد. این اقدامات، همراه با سایر تصمیم‌های راهبردی به‌روشنی بیانگر آن بود که مدیریت کشور در متن میدان جریان دارد و شایعات مطرح‌شده، بیش از آنکه به واقعیت نزدیک باشد بخشی از جنگ روانی دشمن است. با وجود این فضاسازی‌ها ادامه یافت تا اینکه با آغاز جنگ رمضان و انجام عملیات تروریستی دشمن آمریکایی-صهیونیستی که به شهادت رهبر انقلاب در دفتر کار ایشان انجامید، همه این شبهات یک‌باره فرو ریخت. شهادت ایشان نشان داد که برخلاف ادعاهای مطرح‌شده، رهبر انقلاب تا آخرین لحظات در محل کار خود مشغول اداره امور بودند و با وجود همه تهدیدها، مسئولیت هدایت کشور را ترک نکردند. این رفتار جلوه‌ای از روحیه‌ای بود که همواره بر آن تأکید داشتند؛ اینکه مسئولیت، اقتضای پذیرش خطر را نیز در خود دارد و مدیران کشور همانند رزمندگان میدان دفاع باید در سخت‌ترین شرایط هم در کنار مردم بمانند. شهادت ایشان الگویی روشن از رهبری مسئولانه، شجاعانه و متعهدانه را به نمایش گذاشت؛ رهبری که میدان را ترک نکرد و تا واپسین لحظه در مسیر انجام وظیفه باقی ماند. همین واقعیت بسیاری از تبلیغات دشمن را خنثی کرد و تصویری متفاوت از حقیقت جنگ را پیش روی افکار عمومی قرار داد.

در اولین ساعات پس از این ترور نیز رسانه‌های معاند تلاش کردند با روایت‌سازی‌های جدید، فضای جامعه را تحت تأثیر قرار دهند، اما واکنش مردم به سرعت معادلات آنان را برهم زد. نه‌تنها در تهران، بلکه در سراسر ایران و حتی در میان ایرانیان و ایران‌دوستان مقیم سایر کشورها و بسیاری از آزادی‌خواهان جهان، موجی از همدلی و تأثر شکل گرفت. مردم با حضور در خیابان‌ها، میدان‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و ارسال پیام‌های همدلانه در فضای مجازی بر ادامه راه رهبر شهید و دفاع از آرمان‌های ایشان تأکید کردند. این حضورصرفاً یک واکنش احساسی نبود، بلکه نشانه‌ای از انسجام اجتماعی و سرمایه ملی بود که در بزنگاه‌های تاریخی خود را آشکار می‌کند. جامعه ایران نشان داد هرگاه استقلال، عزت و تمامیت ارضی کشور هدف قرار گیرد، اختلاف نظرهای سلیقه‌ای رنگ می‌بازد و همبستگی ملی جای آن را می‌گیرد. همین سرمایه اجتماعی مهم‌ترین پشتوانه کشور در برابر تهدیدهای خارجی بود. در روزهایی که حملات دشمن ادامه داشت مردم میدان را ترک نکردند، دولت به فعالیت متعهدانه خود ادامه داد، صنعتگران چرخه تولید را حفظ کردند، نیروهای مسلح با اقتدار در میدان ایستادند، دانشگاهیان، اصحاب رسانه، هنرمندان، کارگران، کشاورزان، عشایر، مرزنشینان و اقشار مختلف جامعه، هر یک به سهم خود مسئولیت خویش را ایفا کردند. این حضور فراگیر نشان داد قدرت یک ملت تنها در تجهیزات نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه به میزان اعتماد، همبستگی و احساس مسئولیت شهروندان آن وابسته است. در آن روزها شعارهایی که بر حفظ عزت، استقلال و تمامیت ارضی ایران تأکید داشت، بازتاب گسترده‌ای یافت و به نماد اراده ملی تبدیل شد. پیام مشترک مردم روشن بود؛ دفاع از ایران و حفظ استقلال کشور، اصلی است که هیچ تهدیدی نمی‌تواند آن را متزلزل کند. بازتاب این حادثه به مرزهای ایران محدود نماند. ایرانیان خارج از کشور، مسلمانان و شیعیان منطقه بویژه در عراق، لبنان، پاکستان و ترکیه و نیز بسیاری از ملت‌های آزادی‌خواه نسبت به این واقعه واکنش نشان دادند و آن را به نمادی از مقاومت در برابر تجاوز تبدیل کردند. این واقعه نشان داد همان‌گونه که حیات رهبران بزرگ منشأ حرکت‌های اجتماعی است، شهادت آنان نیز می‌تواند آغازگر موجی تازه از همبستگی و بیداری باشد. شهادت رهبر انقلاب چنین تأثیری بر جای گذاشت و معادلاتی را که دشمن بر پایه فروپاشی روحیه ملت ایران طراحی کرده بود برهم زد.

برخلاف تصور متجاوزان که گمان می‌کردند طی چند روز ایران را وادار به عقب‌نشینی خواهند کرد، مقاومت جانانه مردم و نیروهای مسلح ادامه یافت، به گونه‌ای که با وجود بهره‌گیری دشمن از پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی، اطلاعاتی و پشتیبانی گسترده سایر قدرت‌ها، ملت ایران صحنه را خالی نکرد. ایستادگی مردم، تاب‌آوری اجتماعی و انسجام ملی، در کنار توان دفاعی کشور، موجب شد اهداف متجاوزان محقق نشود و آنان در نهایت ناچار به پذیرش آتش‌بس شوند. البته آثار این همبستگی به دوران جنگ محدود نماند. پس از آتش‌بس نیز مسیر دفاع از منافع ملی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماسی ادامه یافت. اقشار مختلف مردم، دانشگاهیان، اصحاب رسانه، نخبگان و گروه‌های مختلف اجتماعی، با وفاق و همدلی، از منافع ملی و حقوق کشور حمایت کردند و نشان دادند مقاومت تنها در میدان نظامی معنا پیدا نمی‌کند، بلکه در عرصه دیپلماسی، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع نیز استمرار دارد. در این مسیر اصول راهبردی «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» همچنان مبنای حرکت کشور باقی ماند؛ اصولی که هم بر حفظ کرامت ملی تأکید دارد، هم عقلانیت را در تصمیم‌گیری‌ها محور قرار می‌دهد و هم تأمین منافع بلندمدت ملت را دنبال می‌کند. تجربه این روزها نشان داد هرگاه سرمایه اجتماعی، اقتدار دفاعی و دیپلماسی هوشمند در کنار یکدیگر قرار گیرند، امکان عبور از سخت‌ترین بحران‌ها نیز فراهم خواهد شد. اکنون که ملت ایران در آستانه آیین تشییع و وداع با رهبر شهید قرار دارد، این مراسم تنها بدرقه پیکر مطهر یک رهبر نیست؛ بلکه تجلی دوباره وحدت ملی، سرمایه اجتماعی و وفاداری مردمی است که در سخت‌ترین روزها نشان دادند عزت، استقلال و تمامیت ارضی ایران، ارزشی مشترک و فراتر از همه اختلاف‌هاست. بی‌تردید این حضور، تصویری ماندگار از همبستگی ملت ایران در برابر جهانیان به نمایش خواهد گذاشت و نشان خواهد داد که راه رهبر شهید با اتکا به عقلانیت، مردم‌داری، مقاومت و امید همچنان ادامه دارد.

شعار و نشان رسمی مراسم بدرقه رهبر شهید اعلام شد

با مشت گره کرده «باید برخاست»

رهبری

ستاد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در اطلاعیه شماره ۴ خود اعلام کرد که «باید برخاست»، شعار محوری و «مشت گره‌کرده»، نشان رسمی مراسم «بدرقه آقای شهید ایران» خواهد بود.

در اطلاعیه دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب اسلامی آمده است: «همزمان با حلول ماه محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر و ایام عزای سرور و سالار آزادگان عالم حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و اصحاب باوفای ایشان و در آستانه برگزاری مراسم وداع، تشییع و تدفین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای (قدّس‌الله‌نفسه‌الزکیه) و شهدای خانواده رهبر انقلاب اسلامی، جهت‌گیری محتوایی و رویکردهای تبلیغی و ترویجی این رویداد را به استحضار ملّت شریف ایران و دوستداران آن یگانه دوران در داخل و خارج از کشور می‌رساند. حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در اولین پیام، درباره رهبر شهیدمان فرمودند: «من این توفیق را داشتم که پیکر ایشان را بعد از شهادت زیارت کنم؛ آنچه دیدم کوهی از صلابت بود و شنیدم که مشت دست سالمش را گره کرده بود...»

این «مشت گره‌کرده» که نشان رسمی بدرقه آن یگانه دوران می‌باشد، فقط یک نماد نیست؛ تبلور همان دست مهربان پدر امّت است که بارها در برابر استکبار جهانی ایستاد و هرگز نلرزید و جز برای خدا گشوده نشد.

از دل همین مشت گره‌کرده و از جوشش خون مقتدر مظلومی چون اوست که دل‌های آزادگان جهان به تلاطم درآمده و ملّت ایران بعثتی دوباره یافته‌است؛ بعثتی که باید تداوم آن را در اعتلای پرچم جبهه حق در جهان، انتقام خون پاک امام مجاهد شهیدمان و ساختن فردایی قوی‌تر برای ایران اسلامی دنبال کرد.

حضرت آقا اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف در یک جنگ خونین به شهادت رسیدند. شهادتی که در میان علمای امامیه رضوان‌الله‌علیهم برای شخصیتی در حد و شأن ایشان در جنگ اتفاق نیفتاده است.

در امتداد جوشش این خون مقدّس که زمین و زمان را به تلاطم درآورد، شعار محوری این مراسم این خواهد بود«باید برخاست»

این شعار، امتداد همان «قیام لله» است که در طلیعه چهاردهم خرداد امسال از سوی رهبر عزیزمان (ادام‌الله‌ظله)، زیربنای مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز خوانده شد؛ قیامی که از نیمه خرداد ۴۲ آغاز شد، در بهمن ۵۷ به ثمر نشست، در عصر مقاومت استمرار یافت و اینک با شهادت مظلومانه آن عبد صالح خدا، نصابی تازه یافته است.

«باید برخاست» یعنی این خون چنان جوشان است که دیگر اجازه سکون به هیچ دلداده‌ای نخواهد داد.

«باید برخاست» یعنی عهدی که ملت بعثت‌یافته با خون او بسته است، تا پای جان ادامه خواهد یافت.

برای این مراسم که «بدرقه آقای شهید ایران» نام گرفته است، بسته هویت بصری درنظرگرفته شده تا مبنای تولید و انتشار تمامی آثار رسانه‌ای، اقلام تبلیغی، فضاسازی شهری و مردمی، محصولات فرهنگی و برنامه‌های مرتبط باشد.

اما این عزا، تنها مختص مردم ایران نیست. از کشورهای جبهه مقاومت تا اقصی نقاط دنیا، آزادگان و آزادی‌خواهان جهان داغدار این شهادت عظیم شده‌اند. امّت اسلامی با الهام از همان مکتب، کلام الهی «قوموا لله» را سر می‌دهد. این شعار، عصاره آخرین رهنمودها و پیام‌های حکیمانه امام شهیدمان است؛ «قوموا لله» نه فقط توصیه او، که تجدید بیعتی است با مکتبش. اعلامی به جهانیان که آن عظمت، آن ایمان و آن شجاعت بی‌بدیل با قدرت و صلابت بیشتر ادامه خواهد یافت.

به توفیق الهی و عنایت خاصه حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) این بدرقه، طلیعه فتح مبین و نقطه عطف بعثت ملّت ایران و امت اسلامی برای افق‌های روشن پیش‌رو به پرچمداری رهبر عالی‌قدر انقلاب (مدظله‌العالی) خواهد بود ان شاءالله.»

گفتنی است که دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید انقلاب اسلامی، پیش از این نیز در اطلاعیه شماره ۳ خود، با دعوت از اقشار مختلف مردم برای حضور پرشور در مراسم تشییع قائد شهید امت، زمان مراسم وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را اعلام کرده بود.

طبق این اطلاعیه: روزهای شنبه ۱۳ و یکشنبه ۱۴ تیرماه ۱۴۰۵ مصادف با نوزدهم و بیستم ماه محرم: مراسم وداع با پیکر مطهر در مصلای امام خمینی (قدّس‌سرّه) تهران. پس از مراسم وداع، مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب در روز دوشنبه مورخ ۱۵ تیرماه ۱۴۰۵ مصادف با بیست و یکم ماه محرم در تهران برگزار خواهد شد. روز سه‌شنبه ۱۶ تیرماه ۱۴۰۵ مصادف با بیست و دوم ماه محرم نیز مردم ولایتمدار شهر مقدس قم میزبان مراسم تشییع پیکر مطهر شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خواهند بود.

پس از این مراسم، روز پنجشنبه ۱۸ تیرماه ۱۴۰۵ مصادف با بیست و چهارم ماه محرم و شب شهادت امام سجاد(ع)، مراسم تشییع پیکر مطهر قائد شهید امت در مشهد مقدس انجام خواهد شد و سپس مراسم تدفین در حرم مطهر امام رضا(ع) برگزار خواهد شد.

عکس: khamenei.ir

ستاد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در اطلاعیه شماره ۴ خود اعلام کرد که «باید برخاست»، شعار محوری و «مشت گره‌کرده»، نشان رسمی مراسم «بدرقه آقای شهید ایران» خواهد بود

توصیه عارف به استاندار کرمانشاه:

تمام ظرفیت‌ها برای آیین تشییع امام شهید بسیج شود

گزارش

محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور روز گذشته در گفت‌وگوی تلفنی با منوچهر حبیبی استاندار کرمانشاه، بر بسیج تمام ظرفیت‌های استانی برای میزبانی شایسته از زائران داخلی و عزاداران عراقی در آیین تشییع امام شهید تأکید کرد. عارف با اشاره به اهمیت ملی و مذهبی رویداد پیش‌رو، از مدیریت ارشد استان کرمانشاه خواست تا با بهره‌گیری از تمامی امکانات اجرایی، خدماتی و رفاهی، شرایط را برای حضور گسترده علاقه‌مندان و بویژه زائران کشور عراق که از مرز خسروی وارد کشور می‌شوند، تسهیل کند. منوچهر حبیبی استاندار کرمانشاه نیز در این گفت‌وگو با ارائه گزارشی از اقدامات انجام شده، از تشکیل کمیته ویژه هماهنگی مراسم تشییع در استان خبر داد و گفت: «تمامی دستگاه‌های اجرایی با هماهنگی کامل در حال آماده‌سازی زیرساخت‌ها هستند و طبق دستور معاون اول رئیس‌جمهور، این روند با حداکثر سرعت و دقت دنبال می‌شود.» همچنین محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران و رئیس شورای تأمین استان، با حکم محمدرضا عارف، به‌عنوان رئیس ستاد برگزاری مراسم وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی در استان تهران منصوب شد.

برنامه‌های گسترده برای تأمین ارتباطات پایدار در مراسم تشییع

جلسه کمیته ارتباطات ستاد تشییع رهبر شهید انقلاب با حضور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، استانداران تهران، قم و خراسان رضوی، نمایندگان اپراتورها، مخابرات و صدا و سیما و سایر مدیران مرتبط در وزارت ارتباطات برگزار شد. سیدستار هاشمی در این نشست با تأکید بر اهمیت زیرساخت‌های ارتباطی در مدیریت مراسم‌های وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب، از اجرای برنامه‌های گسترده برای تأمین ارتباطات پایدار، افزایش ظرفیت شبکه‌ها، ارتقای امنیت سایبری و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی در استان‌های تهران، قم و خراسان رضوی خبر داد. وی تأکید کرد که تمام ظرفیت‌های ارتباطی کشور باید برای برگزاری باشکوه مراسم وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی بسیج شوند.

یادگار امام در دیدار مدیران وزارت جهاد کشاورزی:

باید از نزاع‌های بی‌حاصل دست بکشیم

خبر

حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی روز گذشته در دیدار وزیر و کارکنان وزارت جهاد کشاورزی در حرم امام راحل(ع) طی سخنانی با اشاره به جنگ اخیر اظهار کرد: «خدا رحمت کند رهبر شهید را که در آخرین سخنرانی خود گفتند، از ناو خطرناک‌تر آن وسیله‌ای است که ناو را به قعر دریا می‌فرستد. خیلی‌ها فکر کردند منظور ایشان موشک بود، بلکه مقصود ایشان اراده بود. در نتیجه، ناوی که می‌خواست ما را زمینگیر کند خودش به گل نشست. آمده بودند بکشند و تجزیه کنند و بروند یا شاید هم نروند، اما پشت اراده ستبر مردم ایران ماندند. ما این اراده را از این مرد بزرگ داریم که به ما آموخت ایرانی بودن و مسلمان بودن هزینه دارد، اما نتیجه هم دارد. رهبر شهید ما گفتند آنهایی که فکر می‌کنند ایستادن هزینه دارد، بدانند که دست دشمن را بوسیدن هزینه بیشتری دارد.»

یادگار امام با بیان اینکه حضرت امام نیز این درس را از سیدالشهدا(ع) آموخته بود، افزود: «ملتی که از روز تولد نام سیدالشهدا(ع) را بر زبان دارد و حیات با ظالمین را جز خسارت نمی‌داند، در خون او استقامت وجود دارد. ما در جنگ اخیر به پیروزی رسیدیم و در آن تردیدی نیست. امروز هرکس با سخت‌ترین متر و معیارها هم محاسبه کند، ملت ایران را در این جنگ پیروز مطلق می‌داند.» سید حسن خمینی با توصیه به «خدمت بیشتر» توسط مسئولان در دوران پس از پیروزی، یادآور شد: «تسبیح لفظی نگوییم، تسبیح عملی کنیم که در گرو عبور از منیت هاست. امام هم یکبار گفتند، «من را نمی‌شود بازی داد! دعوای خود من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است. تسبیح واقعی در گرو عبور از نزاع هاست. پیروزی ما به خاطر خون‌های پاکی است که ریخته شد و نام‌های مبارکی بود که بر زبان داشتیم. حفظ این نعمت در گرو عبور از نزاع‌های بی‌حاصلی است که نتیجه منیت هاست.» وی افزود: «تمام آن ۳۹ روز جهاد اصغر بود و از این به بعد جهاد اکبر است که آن را باید از خودمان شروع کنیم. آنگاه در مقابل مردم افتاده‌تر می‌شویم و نتایج بیش از حد تصوری را از کارها می‌گیریم. ما را محاصره دریایی کردند، اما به گفته وزیر جهاد کشاورزی با تدبیر از آن عبور کردیم. در حالی که این کار غول‌های بزرگ دنیا را می‌تواند زمین بزند، اما ظرفیت جمهوری اسلامی و مردم ایران بسیار بالاتر از ثمراتی است که از این مجموعه می‌گیریم.»

شهید خامنه‌ای و مسأله استقلال ایران

ادامه از صفحه یک

جمهوری اسلامی پایان هرگونه «موازنه مثبت» بود. جمهوری اسلامی راه استقلال را در «نه شرقی، نه غربی» دید که یعنی برای حفظ استقلال به هیچ قدرت استکباری امتیاز نباید داد و دست روی زانوی خودمان می‌گذاریم و بلند می‌شویم. استراتژی شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای حفظ استقلال ایران بود به دست ایران، نه به پشتگرمی یک بیگانه دیگر. عجبا! او چگونه این استراتژی را انتخاب کرد وقتی فشار تنهایی ایران در طول هشت سال دفاع مقدس را چشید؟ این همان مسأله‌ای است که باید در آن درنگ کرد و کاوید تا فهمید که رهبر جمهوری اسلامی پس از پشت سر گذاشتن یک جنگ هشت ساله، چرا به سمت موازنه مثبت نرفت و همچنان تلاش کرد استقلال ایران را صرفاً با تکیه بر توان خود ایران حفظ کند؟ پاسخ به این سؤالات، تبیین کننده یک نقطه عطف تاریخی است. جنگ رمضان صحنه استقلال‌خواهی ایران را بعد از ۲۰۰ سال کشاکش با قدرت‌های جهان تغییر داد. شهید خامنه‌ای منکر قدرت نظامی دشمن و بی شرمی او در استفاده از این قدرت نبود. ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ گفت: «رئیس جمهوری آمریکا... هی می‌گوید ما ناو فرستادیم طرف ایران! خیلی خب، ناو البته یک دستگاه خطرناکی است، اما خطرناک‌تر از ناو آن سلاحی است که می‌تواند این ناو را به قعر دریا فرو ببرد.»

در جنگ رمضان آمریکایی‌ها برای تقویت توان تهاجمی خود ناو هواپیمابر «جرالد فورد» را به صحنه جنگ اعزام کردند تا به ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» ملحق شود که در دریای عمان درحال تهاجم به ایران بود. آمریکایی‌ها اول ادعا کردند در رختشورخانه ناو جرالد فورد آتش‌سوزی شده و برای بازسازی باید به یک بندر اروپایی برود. بعد هم اعلام کردند ناو فعلاً از رده اجرای عملیات نظامی خارج شده. هیچ کس باور نمی‌کرد ایران چنین بلایی سر آن «دستگاه خطرناک» آورده باشد تا اینکه خود رئیس جمهوری آمریکا اعتراف کرد. ترامپ گفت: «ما متوجه شدیم که مشکلی وجود دارد، وقتی ساعت یک بامداد متوجه شدیم که هر ۲۳ ثانیه یک هواپیما از عرشه ناو هواپیمابر بلند می‌شود. آن در واقع بزرگ‌ترین ناو هواپیمابر جهان است و هر ۲۳ ثانیه، فوم، فوم، فوم (صدای بلندشدن جنگنده‌ها از روی عرشه ناو)... بنابراین گفتم، بسیار خب، فکر می‌کنم به دردسر افتادیم، اما آنها (موشک‌های ایرانی) برای ما آمده بودند و ما هم آماده بودیم. سپس آنها به ما ضربه زدند و از ۱۷ زاویه مختلف آمدند. آنها اینجا بودند. ما برای نجات جان‌مان فرار کردیم.» قبل از این اعتراف ترامپ، سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) گفته بود: «تغییر مسیر این ناو به‌سمت پایگاه آمریکا و تلاش برای عدم عبور از تنگه باب‌المندب، این سؤال را برای افکار عمومی جهان و منطقه رقم زده است که چرا باید یک ناو جنگی ۱۳ میلیارد دلاری آمریکا از چند قایق تندرو چند هزار دلاری نیروهای مقاومت ترس و هراس داشته باشد؟! هرچند چنین وضعیت متزلزل و ناپایداری دقیقاً در روزهای اخیر برای دیگر ناو آمریکایی آبراهام لینکلن، در اقیانوس هند ایجاد شده است.» خون شهید خامنه‌ای به معنای تغییر نگرش اساسی ایرانیان به غرب هم هست. از صبح ۹ اسفند ۱۴۰۴ خون شهید خامنه‌ای مبدأ آن تحولی شد که حمید دباشی، استاد ایرانی دانشگاه کالیفرنیا آن را «انقلاب کوپرنیکی» در ذهن و ضمیر ایرانیان نامید. او گفت: «امروز وارد یک تغییر پارادایم معرفتی شده‌ایم. اتفاقی در ایران و در تخیل فکری ما رخ داده است که دیگر نمی‌توانیم به جهانِ پیش از بیست و هشتم فوریه نگاه کنیم. برای یک انسان فرهیخته ایرانی، زن و مرد که سی و چند روز مقابل دو قدرت اتمیِ وحشی مقاومت کرده، با سرافرازی بیرون آمده، تمامیت ارضی کشور را حفظ کرده و اکنون صبحِ پا شده، خرابی‌ها را آباد می‌کند، پل‌ها را می‌سازد، دانشگاه‌هایش را بازسازی می‌کند و یادِ فرزندانی را که شتاب‌زده به خاک سپرده، در ذهن دارد؛ این وضعیت، ذهن ما را مانند انقلاب کوپرنیکی کرده است.» وی افزود: «کوپرنیکی که می‌گفت دیگر زمین مرکز جهان نیست، بلکه خورشید مرکز است و همه‌چیز باید از نو تعریف شود... هر جنگی که ما در داخل (کشور) داشتیم، همه اینها دیگر پاک شده و رفته است. وقت آن رسیده که میانجی خود را تغییر دهیم. یعنی دیگر نباید با یک مرد سفیدپوست فرضی و خیالی که در ذهن من نشسته، تلاش کنم متقاعدش کنم به عنوان ایرانی، صاحب تمدن، تاریخ و هویت هستیم و حرفی برای جهان داریم. آن آدم دیگر در ذهن من نیست.» خون شهید خامنه‌ای مبدأ انقلاب فکری و روحی ایرانیان در بازتعریف نسبت خود با شرق و غرب جهان خواهد شد، خون پاکی که ریشه درخت چند هزار ساله استقلال ایران را آبیاری خواهد کرد. پس از این جنگ انسان ایرانی نسبت خود را با جهان بازتعریف خواهد کرد، جهانی که دیگر «غرب» در مرکز آن نخواهد بود و این همان تحول کوپرنیکی در ایران است. پای این درخت، خون دختر و داماد و نوه شهید خامنه‌ای، به همراه خون کودکان میناب و لامرد و شهرکرد، یا خون شهید علی لاریجانی و دیگر خون‌های پاک، با هم و بی هیچ تفاوتی ریخته شده است. جرم بزرگ این شهدا این بود: ایرانی بودن و از راه پرافتخار استعلای استقلال وطن عزیز خویش سر برنتافتن. به قول سدید شهید خامنه‌ای، «من آدمی نیستم که با لالایی دشمن خوابم ببرد.» و به قول شهید لاریجانی، شاگرد مکتب خمینی و خامنه‌ای که در واکنش به تهدید گزاف ترامپ مبنی بر نابودی تمدن ایران گفت: «ملت عاشورایی ایران، از تهدیدات پوشالی شما نمی‌ترسند. بزرگ‌تر از شما هم نتوانستند ملت ایران را حذف کنند. مراقب خود باشید حذف نشوید!» جزای چنین ایرانیانی که مقابل تهدید و تشر بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان جا نزدند و از آرمان استقلال ایران گامی عقب نگذاشتند، شهادت بود.

از حفظ وحدت ملی تا عدالت اجتماعی
اولویت‌های پساجنگ

یادداشت

محمدصادق جوادی حصار
سخنگوی حزب اعتمادملی

دوران پساجنگ، صرفاً پایان یک منازعه نظامی نیست. آغاز مرحله‌ای تازه از مدیریت پیامدها، بازسازی اعتماد عمومی و ترسیم مسیر آینده کشور است. بر همین اساس، اولویت‌های این دوره همان اهدافی هستند که در دوران جنگ برای حفظ آنها هزینه پرداخت و از آنها دفاع شده است. در صدر این اولویت‌ها، حفظ وحدت ملی، یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور قرار دارد. اگر در دوران جنگ، دشمن خارجی مستقیماً این مؤلفه‌ها را هدف قرار داده بود، در دوران پساجنگ نیز خطر تضعیف انسجام ملی از مسیرهایی چون کاهش همدلی، شکاف میان مردم و حاکمیت و فقدان زبان مشترک میان بخش‌های مختلف جامعه وجود دارد. از این‌رو، تقویت عوامل وحدت‌آفرین میان دولت، ملت و نظام، مهم‌ترین ضرورت این مقطع محسوب می‌شود.

در کنار حفظ انسجام ملی، تبیین واقع‌بینانه شرایط پساجنگ برای افکار عمومی اهمیت ویژه‌ای دارد. نه بزرگ‌نمایی دستاوردها و نه کوچک‌نمایی مشکلات، هیچ‌یک به نفع کشور نیست. مردم باید به عنوان امین و شریک تحولات ملی، از واقعیت‌های موجود آگاه شوند. نباید این تصور شکل بگیرد که با پایان جنگ، همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی به‌سرعت برطرف خواهد شد. رسانه‌ها، مطبوعات، صداوسیما، سخنرانان و ائمه جمعه باید با رویکردی مسئولانه، شرایط کشور، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های موجود را برای جامعه تبیین کنند تا انتظارات عمومی بر پایه واقعیت شکل بگیرد و از بروز ناامیدی یا مطالبات غیرواقع‌بینانه جلوگیری شود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پساجنگ، دستیابی به درک مشترک از گذشته، حال و آینده کشور است. جامعه باید بداند از چه شرایطی عبور کرده، اکنون در چه وضعیتی قرار دارد و برای رسیدن به آینده مطلوب چه مسیری را باید طی کند. فقدان چنین درکی می‌تواند به پراکندگی دیدگاه‌ها درباره اولویت‌های ملی و بروز اختلافات گسترده منجر شود. در چنین شرایطی، هر گروهی نسخه‌ای متفاوت برای اداره کشور ارائه خواهد کرد و این امر می‌تواند انسجام تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه کند.

بر همین اساس، ایجاد وحدت رویه و هماهنگی در ساختار حکمرانی از الزامات اساسی دوران پساجنگ است. البته وحدت فرماندهی به معنای تمرکزگرایی مطلق یا محدود شدن آزادی‌ها نیست. مقصود، هماهنگی در حوزه‌های سیاسی، قضایی و اداری و حرکت بر مبنای اصول مشترک است. در این چارچوب، همه شهروندان باید از حق بیان آزادانه دیدگاه‌ها، مشارکت در تعیین سرنوشت کشور و برخورداری از حقوق برابر در برابر قانون بهره‌مند باشند. دستگاه قضایی نیز باید بدون تبعیض با همه افراد برخورد کند. با این حال، حمایت و تکریم کسانی که در دفاع از کشور نقش مؤثر داشته‌اند، جانباز شده‌اند یا خانواده شهدا را تشکیل می‌دهند، امری طبیعی و قابل دفاع است.

در حوزه سیاست خارجی نیز اصلاح روابط بین‌المللی و منطقه‌ای از مهم‌ترین اولویت‌های کشور به شمار می‌رود. استفاده از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل، توسعه روابط با کشورهای همسایه و تقویت حسن همجواری می‌تواند زمینه‌ساز کاهش تنش‌ها، افزایش همکاری‌های اقتصادی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای کشور باشد. همزمان، توجه به وضعیت معیشتی اقشار آسیب‌دیده از سال‌ها تورم، تحریم و پیامدهای جنگ، ضرورتی انکارناپذیر است. واقعیت آن است که آثار این فشارها بر همه اقشار جامعه یکسان نبوده و برخی خانواده‌ها آسیب‌های بیشتری را متحمل شده‌اند. لذا حرکت به سمت عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها و امکانات باید در دستور کار قرار گیرد تا همه شهروندان احساس امنیت و رفاه بیشتری داشته باشند.

تحقق این اهداف تنها برعهده دولت نیست، بلکه همه ارکان حاکمیت، از قوه قضائیه و مجلس تا نهادهای نظارتی و تصمیم‌ساز، در این مسیر مسئولیت دارند. بازسازی کشور و جبران آسیب‌های انباشته‌شده در کوتاه‌مدت ممکن نیست اما با همدلی، همزبانی و شکل‌گیری اطلاعات مشترک میان مردم و مسئولان می‌توان این مسیر را هموار کرد. هرچه شفافیت بیشتر باشد، انتظارات نیز واقع‌بینانه‌تر خواهد شد و امکان توزیع عادلانه منابع و اتخاذ تصمیم‌های مؤثر افزایش می‌یابد. در نهایت، با همکاری همه قوا، مشارکت فعال مردم و تقویت سازوکارهای حضور عمومی در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و نظارت، می‌توان شرایطی فراهم ساخت که ایران در دوران پساجنگ بیش از گذشته شاهد آرامش، ثبات، امید و آسایش باشد.